

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
افضل الشرف كف الاذى
وبذل الاحسان

اسان هريف بلنكه اهرف معلقات و بهندين موجودات است. اكراسان
بالسابت و نفاذ كره در مقام ترقى و تعالى بنديك و اطامع خدا باهه از كرويه
و ملائكه مقربين برتر ميشود و بالاتر ميگرده و تمام انبيا و رسالين حيوانات به
و اطامع قابليت اوست. براى اين است كه همه قسم قابل ترقى و تعالى عظمت و
القدر است. من توانه بعد اطلاق تزيينات دلويه و اخرويه بره بر كنر و رئيس
هرد و سلطنت كند او بشرف گذشته ميگردد. بركام موجودات مسلط باهه و سلطنت
نمايه آب و هوا و برق و سارهايه و اسخرفه گرهاند.

از سارقان كرات آسماني ثوابت و سهارات مطامع و باخير هود معتبر
صنابع و اختراعات بحيرالعلوي باهه، فوق اسروده و اين توكليات بره. داراي
تمام سعادت حسنه و ملكات فاضله گرده و راستى غلاف اصف و كنان به مرشد كي
است كه هضم توانا داراي صفاتي باهه. حصول ملكاتي كند، كسب كسالات و
فرجاي ناديه، بره و مقاماتي بره و هود نمايه و از خود مضايقه كند و هر اين
مقام بر نمايه.

افضل الشرف كف الاذى و بذل الاحسان من ابراهه افضل هرات
بهترين هراتها و بهر است نگاهداري هضم خود را از اذيت و آزار كرهه
ظلم و ستم و تجاوز بر مردم نمود. متعلق و بهنگام خدا را در هكنجه و نفاذ
گذاردن است.

اسان اگر داراي هود و لغت هه، متعلق و حكيمانه مسلط و موقوف و باهه
همه قسم توانا، هر كار از او بر آيه هر چه بخوامه بتواند بكنه كند و ملك نفس
و خودداري كند و دست نگاهدارد و لسو باهه نفس اللب به كند و نگاهد
و ميراث به محبت و مامله دوستدار و لسو باهه سلفي بهتر و هراتي بالاتر از اين
ليست و البته اين هرات و برترى نسبت بظلمهاي هود و اذيت و آزارهاي ابتدائي
است كه هضم بدون سبب و جهت و بدون اذيت و آزار طرف ظلم بكني نكند
اذيت و آزار بي هادى و نيايه در مقام نهي و تجاوز بر مردم باهه و اذيت و آزار
مرتبه موقوف و بعد از اين وقت است كه اسان ظلم و ستم ندهد، اذيت و آزار باهه
وارد آمدن سعادت و تجاوزات باهه و همه قسم لغت و اذيت و آزار باهه فادو مسلط
و عدل ايشان باهه مملكت تريب اثر نهد، در مقام تلائي و تدارك ابراهه (در
هولوت است كه در مقام نهي) هود و افاض سرفظ و چشم هود نيايه. هود
را نهد، كند و با كند، بگرده چنين آدمي فوق الماده است موبت و برترى تريف
و تجبه دارد. بهتر از ديكران و بالاتر از سايرين است.

واست چنين هضمي باهه است ثبوت و جوار هود داره من توانه لغت
تواناي داشته كه همه كار كند و جبران و تلائي نيايد نكرده هه و افاض نهد
اين است اخلاقيات اسلام و مستورات هيات و تعليمات قرآن كه تمام اخلاقيات
در مرتبه و همه اخلاقيات و نهي استيج استيج است. بكنه نالوم مطمح اي غير از
همه جا يا روي تصبات باهه جرفهاي ميزنه پيش خود هياتي من باهه ابراهه
من كند كه اسلام دين هشير و زور و سر بره است چه كند لغت ابراهه اصل
هضم و دانش ايستند چه به مشف الفاظ طالب كرهه. هود مني دروك چيز ديكر
ياد نكرده اند و به آنها تعليم نشده. بعد از فرستادن فرشته ما چيز ديكر ياد
ليست روايت نيشود.

يكي ديكر او هراتها كه من همراه او اهرف هرات است بل احسان
احسان بل و بهش و برهنگوني يكي از صفات لبكي و بهت است. اساني است
اين صفات فوق الماده ابراهه داره. ابراهه اين صفت هكي از اخبار و ليكن
و مردم خوب بشارت مبرود و حساب ميبود، صفاتي شاهه بهتر و بالاتر از اين صفت
اي باهه.

اطمات و عبادات براي خود هضم است نيايه براي كسي نهدر آنچه آن
قطط هابه خود طرف ميشود. ولي بل و احسان داد و هوش نيايد نهدر آنچه
بشماري دارد آزار باهه بر او كرتي بر آن مترتب است هم مراد هنده و احسان كنده
نياهه دارد و نثار است مترجه او ميشود و مفاد احسان يكي از صفات مطلوب
است و موضوعيت دارد.
علاوه بر فرموده هرات و اخبار و ابراهه در اين باب من ذاتي و عقل داره
همل حاكم به هضم و برهنگوني است بر ساير صفات، اگر مردم و اكثر افراد داراي
صفات بريسته و اخلاق حسنه بودند داد و هوش داشته اهل مطا و احسان بل و
بشش بودند، بكنه فرود و برهنگوني و در ماهه پيدا ميشد، ملكت و كفو باهه هراتي
بود، مردم در اين آتش امرويه اي سوختن كرتان اين لغت اقتصادي و به بران
اي زولي و كسادي آيووده هوار اين مشرب منوس تازه اهتر كي كه دنيايي را
آتش زده و ريبست و باهه انداخته و تمام اكنس متوجه اين كس هه نيشود، دست
او تيجانت فرآن و اوقات و مستورات آسماني در اوقايم باهه اخلاقيات اسلامي و نفاذ
نكرده. آن اخلاقيات كه موقوف آن تصور ايست از هود بشر خارج است آوردن
مثل اين دستورات و تعليمات كه تمام فاديه ميشد است، آثار برك زياد فواديه
بشماري و آن مرتبه است سعادت بشر و جامعه مسلمين و افراد ابراهه ابراهه ابراهه
و از آينجا كه كار ما مسلمين و افراد ابراهه ابراهه ابراهه و اخلاف روي و
مشق طيهي است و هرات و در بايات و اخلاقيات هم و نثار و مملات نام هضم
است در تارك هابه باهه باهه امتثال و رفتار كنيم باهه آروم و در موداي
كه باهه تارك هابه عمل نكند و بجا باهه روي و دوردي كنيم و اجابت نام هضم
مستقيم و بجا آوردن.

در اين آيه هابه كه فرموده «كلوا و اشربوا ولا تسرفوا» حرف و مثال مبرودي
است و هضم من كويك و كلوا و اشربوا تو در گوشت كن - ولا تسرفوا و ابراهه
(كن) بهته موداره مصادق است.
دستور اخلاقي در اول مقاله در مطلب و جمله است يكي باهه ترك هود و ديكر
امتثال، اذيت هرف دورلك يكي و امتثال ديكر است، مهربان باهه هرافه
ها در توك اذيت و آزار ظلم و نهي جور و مودوران است و امتثال هود من كس بل
و احسان داد و هوش و برهنگوني است و ما او را مثل ساير كارها بر خلاف هضم
و بسكس رفتار من كند اولي را كه باهه ترك كنيم بهر مودون آن ابراهه كسلا
چهاروستي كرفته آنچه كه از دست ما بر آيد و باهه اودايم از ظلم و نهي اذيت و آزار
و تجاوز كوتاهي هضم حاد اعلاي اي رخصي و اي انصافي و اوداع و اوصاف نام هضم
و احسان و ايجاي آروم

فرستد مردم كسبل احسان روي هركي كوه كوه، آسمه بهر چه، بوي
خيري از ما مني آيد هبل نياهه ابراهه احمق ابراهه كاره اوما ساخته نيشود. بوي
ما خراب باهه تجارت و مملات كساي كاري نيشود و دست روي دست اكلد ما هضم
است كه من باهه رويه گرفتار هضم.

و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته
الاحقر محمد جعفر الموسوي طاهري

چاپخانه گلستان
هزاره - خوابان قالی

سرود افتخار

سر آينه و سر كار و سر روان منر چه ز ظلي
سارنده آهنگ : سوار سباح

تقدیم به شاهنشاه محبوب ایران

این سرود مهیج را که سر کار
سروان منوچهر ظلی سراییده اند
و در ۲۹ مردادماه هنگام پیرو برداری
از مجسمه شاهنشاه محبوب و جوانبخت
ایران به تعداد زیادی بین اهالی بخش
و توسط موزیک لشکر ۶ فارس نواخته
شد.



ما احساسات پاک و شاعرستانه
این اسرار جوان را تقدیس و اشکر
۶ فارس را بد افشن چنین اسرارای
تیریک میگوییم

سرود افتخار

ایران بسانه شاد و جاودان
بلکه جو نیر زد آن زندگی
بر خیز و از جا جنبش نسا
هدخدا و هاه و مین آیین ما
باینده باهه یاد کشور گیان
ایران بسانه شاد و جاودان
گوری، هده، خاتین و دهستان
خاک پاک ایران جان فدای تو
ایران همیشه سر فراز و شاه
پرچم کویان
خاک پاک گیان

در پرتو شاهنقه جوان
کالوده باشد با بندگی
در راه میهن کوشش نسا
حافظان و تن ناموس و دین ما
جاوید و خرم مهد کای و بان
در پرتو شاهنقه جوان
در جهان جاودان ایندیش کویان
ارزشی نهد در جهان برای تو
ایران همیشه هاد و زنده باد
جان فدای تو
از برای تو

امسبال خوننی چیست ؟

و چگونگی ممکن است از آن جلو گیری کرد

بقیه از س ۱
از نظر پزشکی چند نوع میکرب
مختلف ممکن است حامل این بیماری
باشند که وارد بدن نشده در روده ها
جای میکرب در هضم و اضمحلال نمیشوند
ولی آنچه مسلم است چنانچه بیماری
از درد و بیخوشی حکم مدوع آبکی
و خونی و اجابت مکرر مزاج شکایت
دارند که گاه تب با ضعف و بیحالی
هم با آنها افزوده میشود درد و بیخوشی
شکم گاه بیماری را خلی آزار میدهد.
و با اجابت مزاج آرام میگردد
مدوع این بیماریان آبکی و توام
با بلغم و چرک و جور میباید و تعداد
دفعات اجابت مزاج از چندین بار در روز
تا نزدیک سی بار در موارد شدید ممکن
است برسد گاه بیمار تب میکند و
بطور کلی بلغم خارج شدن آب بدن
هضم دچار لغزش و ضعف و بیحالی
میگردد
گفته میشود میکرب این بیماری بوسله
آب یا سیربیجات و غذاهای آلوده و
بالاخره بوسله دستها و یا مگس و
سایر حشرات وارد بدن هضم میگردد
بنابراین توجه بکنش زیر لازم است
۱- چون مدوع بیماریان دارای
تعداد زیادی میکروب است و مخصوصا
این میکرب که گاه با مدوع دفع هضم
میکند است نه تنها در آب بلکه در ممت
ها در خاک هم زندگی کند بنابراین
باید توجه کرد که آب آلوده نکنده
و حتی الاکان مدوع این اجناس را
در جاهای استراحت ریخته و با آب آهک
تمام جاه و دهانه آن لکن و نموده و
ضد عفونی نمود
۲- چون حامل اصلی این میکرب
این بیماری آب است بنابراین باید
آب را قبل از نوشیدن جوشانده
۳- چوب سیربیجات و غذاهای دیگر

چگامه شیوا

چگامه که در روزی خواهد در بهار گذشته آسای شبنانی برین
دارای سروده و از نظر سلاست بیان و موضوع مورد علاقه دوست
ادب واقع شد هر چه نسخه بدست آورده بودم و مناسفانه
دسترس مانیوود که آنرا منتشر نامم روز گذشته در منزل او
که چمه ما درستان گردهم جمع می شود چگامه مزبور از طرف
یکی از دوستان خوانده شد یکی از آنان نسخه برای دفتر روز
تهیه و برای مادرشاد اینک دوزخ آرمشتر می نامیم که خواننده
هزیز ما او خواندن آن استفاده ببرند

موسم گل آمد و هده او بهار دیگری
دفتر باورنه باهه شست و کاری تازه کرد
گر به نذوب و باهه شست و کاری تازه کرد
زاهد خود دین اگر در مجلس مبارک باهه
مطرب بزم از او زنده هه های خارجی
دام اگر سروده گردید و شکار از سر هه
چون ندانه کار فر ما سال و کار اگر
الهی مترتب که خون ما بهر و انا میکیه
سائها بیکانگان همتی ما را برده اند
سر آه سینه مظلوم و هجر مستمند
در هجران و غم دوراه اشاید باز کالت
انداغند همروش و سامل دورودر باغ نعلب
حقه بازی گرفتند اختیار از ما گرفتند
کی هود اصلاح کار ملک زور رختن و اب
هروما ملک کوه تیرکی زو آره هده
گاه می گوید باهم لبره ما از انکسین
گاه میگوید کتم روی زمین را بر ملک
هر چه میگوید و هر چه می آید در لب
ملک ایران کانون و هرات فله ماهه آیه
من نهد این کجا رفتند آن کردنگهان
ایرانی کی تواند کوهی او میدان بره
از برای دلغ هر دهستان دین و ملک
قدرت شاهنقه باهه و نعی آهه
هر هبانی نهدر کویا در کس اثر

زندگانی سعیدی

تصوف در عصر سعیدی

زده اسلام و راهمدین و همانند دین منقده
گدره به و منقاه پیدایش این عنوان
معارف اسلام بوده است و به معارف دیگران
بهذا آرایش یافته است
۵- کلمه مولفین بزرگ سولای که
حتی تا عصر حاضر تعلیمات و رساله های
منتشر ساخته شده همان اساس را که
در قرن سوم ریخته شده بیرونی امودانه
منتهی بعضی اصول را بر آن افزوده و
پاره ای از اصول آن را تخریب و لغت و
بیشتری داده و مختصر استقیاس هم از
معارف ملل و زبان و ارایه و ختم نموده اند
ولی بطور کلی اساس همه آنها همان بوده
است که در قرن سوم ریخته شده
۶- چون شیخ اجل ماسینی که
فهرمان کتاب کفران و محسوس هه های
ما است خود کفران میسرده درس خوانده
و از مکتب تصوف خارج شده است لذا
مانند یکی از مؤلفه بزرگ تصوف است
نامه خود را که مشهور بوستان است
بر این اساس بنا نهاده و بنام تالیف یک
کتاب تصوف بوستان خود را برشته نظم
هر آفروده بنابر این سدهای باهه باهه
یک کتاب الفس تصوف است که باقریه
سرفار و خدا دادی وی آمیخته شده و از
آنچه است که وجه هست وی تعلیم و تربیت
سلاطین زما بخورد و دیگران هه های معاصر
و فعال مراهبه بوده است آداب تصوف را
بهتر و در قالب حکایات و داستانها ریخته
و بر آن مرثه داشته است ولی نه آن
طور که دیگران را این بهره سازد بلکه
سرفه ای از ادب و اخلاق تصوف چنان
آراست که همرازه و حامی و همدرد و
گدایی بتواند بر سر آن سرفه بپوشد و
کام متعجب و السابیت خود را از آن
سربازد.
۷- سده کتاب خود را مانند کتاب
معارف المعارف استفاض شیخ هه ب -

فدایت کمسیونهای بیمه در شهر کت
در هغه گذشته کمسیونهاک مبروطا بر یک تدوین آیین نامه های
داخلی میسوابه از نظرها در هر کت بیمه تشکیل کرده و مطرح آیین نامه های
پیشنهادی و کمسیونها مورد هود و معاده قرار گرفته و تا کنون پنج آیین نامه
اف تصویب شورای و سالی ادارات گذشته که گزارش آن به هیئت مدیره تقدیم
شده است.
جلسات کمسیونها در آینه لیر منظم ادامه خواهد و اهت و اتمام بهر
بسرودی طرح کلیه آیین نامه های داخلی مورد لزوم هر کت به
تکمیل گردد.

